

لابی کوبا و سیاست خارجی آمریکا

علیرضا کوهکن^۱

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

(تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۴ - تاریخ تصویب: ۹۱/۱/۲۱)

چکیده

سیاست آمریکا در قبال کوبا از سال ۱۹۶۲ تا ۲۰۱۴ ثابت مانده و این امر با وجود تغییرات متعددی است که سیاست این کشور و همچنین نظام سیاسی بین‌الملل در طول این سال‌ها داشته است. صاحب‌نظران یکی از مهم‌ترین علل این امر را قدرت لابی کوبا در آمریکا می‌دانند. منابع قدرت لابی کوبا و نحوه شکل‌گیری آن، سیاست‌های اتخاذ شده توسط لابی کوبا و مهم‌ترین موفقیت‌های عملی این لابی در عرصه سیاست خارجی آمریکا، علت اهمیت لابی کوبا و کوبایی‌تباران در سیاست داخلی آمریکا، سیاست‌های کنونی آمریکا در خصوص کوبا و همچنین چشم‌انداز لابی کوبا، مطالبی است که در این نوشتار بررسی می‌شود. واقعیت این است که گروه کوچک کوبایی‌تباران با انسجام درونی و پیگیری هدفی واحد توانسته‌اند بر سیاست آمریکا در قبال کوبا اثر چشمگیری بگذارند و آن را به سمت منافع خود هدایت کنند.

واژگان کلیدی

آمریکاییان کوبایی‌تبار، سیاست خارجی آمریکا، کوبا، لابی کوبا

مقدمه

«مشکل ما با کوبا این است که اگرچه کشوری خارجی است، در عمل کارکرد واسطه‌ای دارد و به آن به‌مثابه بخشی از نظام سیاسی و نظامی‌مان احتیاج داریم» (Peterson, 1994: 5). این اظهارات سال ۱۹۰۲ الیهو روت، وزیر جنگ آمریکا، ترسیم‌کننده سیاست خارجی آمریکا در طول سده نوزدهم و بیستم نسبت به کوبا است. محدودیت استقلال در انتخابات ملی کوبا در سال ۱۹۰۲ که به تأسیس این کشور منتهی شد، امری پیش‌فرض بود و دولت آمریکا برای حفظ منافعش، همواره در امور این جزیره دخالت داشت که به تدریج وارد قوانین کوبا نیز شد. متمم پلات که در سال ۱۹۰۳ به قانون اساسی کوبا اضافه شد، حق قانونی آمریکا را در دخالت در امور داخلی این کشور به رسمیت شناخت.

این سیاست با روی کار آمدن فیدل کاسترو در اول ژانویه ۱۹۵۹ تغییر اساسی کرد. کاسترو وعده بازگشت به قانون اساسی سال ۱۹۴۰ کوبا را داد. او دو هفته پس از در اختیار گرفتن کنترل کوبا اعلام کرد که متمم پلات به آخر خط رسیده است (Idem: 242). او همچنین اعلام کرد که فرهنگ کوبا به شدت از فرهنگ آمریکایی صدمه دیده است و باید از زیر بار این فرهنگ متخاصم رها شود. وابستگی فرهنگی و اقتصادی کوبا به آمریکا به جای اینکه کاسترو را به دست‌نشانده‌ای برای آمریکا تبدیل کند، روح ملی‌گرایی را در انقلابی‌های کوبا تقویت کرد و به‌نظر بسیاری از کارشناسان، انقلاب جنبش ۲۶ ژوئیه نوعی اعلام استقلال کوبا از آمریکا بود (Taber, 1961: 301).

در سال ۱۹۵۹، حکومت ملی‌گرای کاسترو به سرعت اصلاحات ارضی را انجام داد و زمین و صنایع اصلی را ملی اعلام کرد. این امر خشم سیاستمداران واشینگتن را در پی داشت؛ زیرا امید آنها برای همکاری با کاسترو را از بین می‌برد. مهاجرتی که پس از این اقدام اتفاق افتاد، در عمل نوعی صادرات مخالفان انقلاب به خارج از کوبا بود. این مخالفان در کشور آمریکا به صورت گروهی منسجم در آمده و به مبارزه خود با حکومت کوبا ادامه دادند.

پس از گذشت سال‌ها از این اتفاق و وقوع تغییرات وسیع در عرصه بین‌المللی، همچنان عدم تغییر سیاست آمریکا نسبت به کوبا شاهدیم. آمریکا با روسیه که زمانی در قالب شوروی، دشمن شماره یک این کشور محسوب می‌شد، رابطه دوستانه برقرار کرده، اما همچنان از برقراری رابطه با دولت کوبا سر باز می‌زند. این کشور با چین کمونیست رابطه اقتصادی بسیار گسترده‌ای دارد، اما در خصوص کوبا سخت‌گیری می‌کند. علت این امر وجود لابی منسجم و قوی کوبایی‌ها در آمریکاست. این عده کم که بیشترشان هم در منطقه کوچکی در جنوب فلوریدا مستقرند، توانسته‌اند سیاست آمریکا را در این پنجاه سال نسبت به کوبا ثابت نگه‌دارند.

این نوشتار به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه کوبایی‌ها می‌توانند چنین کاری را انجام دهند. به‌همین منظور، زمینه‌های جمعیتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این گروه بررسی می‌شود. سیاست‌های اتخاذی کوبایی‌ها در آمریکا، مهم‌ترین گروه معرف این لابی، گروه‌های مخالف این لابی، مهم‌ترین اقدام‌های این لابی و تازه‌ترین سیاست‌های آمریکا در قبال کوبا، دیگر مباحثی است که در این نوشتار بررسی می‌شود. چون تاکنون در زمینه لابی کوبا نوشتار علمی شایان توجهی در ایران تهیه نشده است، در پی آنیم که با این مقاله بتوان به آشنایی با فعالیت‌های این گروه کوچک اما منسجم و قدرتمند کمک کرد.

۱. زمینه جمعیتی لابی کوبا

مهاجرت کوبایی‌ها به میامی، در چند مرحله متفاوت اتفاق افتاد و عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و نژادی داشت. این امر سبب ساخت بسیار متنوع جمعیت کوبایی‌ها در میامی از لحاظ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شده است (Croucher, 1997: 159). مرحله‌های اولیه مهاجرت را می‌توان در سه دسته مهاجران اولیه (از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۱)، مهاجران قایق‌سوار ساحل کاماریکا^۱ (۱۹۶۵) و مهاجران ماریل^۲ (۱۹۸۰) دانست. در حالی که عده کوبایی‌تباران در میامی تا پیش از انقلاب ۱۹۵۹، حدود بیست هزار تن تخمین زده می‌شد، تنها در طول دو دهه بعد به حدود پانصد هزار تن افزایش یافت (Idem: 33).

۱.۱. مهاجران اولیه

پیروزی انقلاب کوبا در ۳۱ دسامبر ۱۹۵۸، سبب مهاجرت سریع عده‌ای از مخالفان جدی انقلاب شد. این افراد از مقام‌های دولتی و تاجران شناخته‌شده بودند و به‌همین دلیل، گروه اول مهاجران از کوبا افرادی کاملاً سفیدپوست، تحصیل‌کرده و از طبقه متوسط یا مرفه بودند. بحران سیاسی امر جدیدی در کوبا نبود و به‌همین علت سفر موقت نخبگان اقتصادی کوبا به آمریکا طبیعی محسوب می‌شد. در آن زمان، این اعتقاد وجود داشت که باز هم آمریکا مانند گذشته پا به عرصه گذاشته و وضعیت را به حال طبیعی برمی‌گرداند. پس از آن، این افراد دوباره می‌توانند به کوبا بازگردند و اموال ازدست‌رفته خود را بار دیگر به‌دست آورند. این مفروضه که به معمای نود مایل مشهور است، کم‌کم به رویایی برای این دسته تبدیل شد (Idem: 20). علاوه بر مسئله طبقه اقتصادی مهاجران، تنها عده اندکی سیاهپوست به آمریکا مهاجرت کردند؛

۱. Camarioca Boatlift: در سال ۱۹۶۵ دولت کوبا اعلام کرد که برای مدت کوتاهی بندر کاماریکا برای مهاجرت از کوبا به آمریکا باز خواهد بود. عده زیادی کوبایی از این فرصت استفاده کرده، به آمریکا رفتند.

2. Mariel Boatlift.

زیرا تصورات نژادی خاصی در آن زمان درباره آمریکا وجود داشت. نکته مهم در خصوص این دسته از مهاجران این است که آنها منابع مالی کافی را برای مبارزه با کاسترو در اختیار داشتند. پس از شکست در خلیج خوک‌ها در سال ۱۹۶۱ و بحران موشکی ۱۹۶۲، مهاجران کوبایی درک کردند که بازگشت سریع به کوبا امکان ندارد. این افراد از پذیرش عنوان مهاجر امتناع کردند؛ از بیم آنکه تبعیدی سیاسی خوانده شوند.

برنامه پناهجویان کوبایی^۱ در همین زمان اجرا شد و کمک‌های مالی و اجتماعی به آن دسته از کوبایی‌ها داده می‌شد که خواستار سکونت در جایی غیر از میامی در آمریکا بودند. اقتصاد میامی ضعیف بود و آن دسته از کوبایی‌های خواستار جذب در جامعه آمریکا، از این برنامه استفاده کردند؛ زیرا به خوبی درک کردند که رژیم کاسترو به این زودی‌ها رفتنی نیست. به همین دلیل، تصمیم برای تغییر مکان، جایگزینی مهم بود (Perez, 2007: 246). مهاجرانی که تغییر مکان داده بودند، جهان‌بینی خود را از دست ندادند و به سرعت مراکز مهم جمعیتی مانند نیوجرسی، نیویورک، شیکاگو، بوستون و دیگر مکان‌ها، به جایی برای بحث‌های کوچک ضدکاستروی تبدیل شد.

۱.۲. مهاجران بندر کاماریکا

در سپتامبر ۱۹۶۵، کاسترو اعلام کرد هر کوبایی که خانواده‌ای در آمریکا دارد، می‌تواند خاک کوبا را از راه دریا از بندر کاماریکا در ساحل شمالی کوبا ترک کند (<http://www.uscg.mil/history> (uscghist/camarioca1965.asp (April, 8, 2011)). این کار از دید کاسترو دو دلیل داشت: نخست اینکه کوبا بدون هیچ هزینه‌ای از شر احساس ضدانقلابی کسانانی راحت می‌شد که ارتباط نزدیکی با جامعه آمریکاییان کوبایی تبار داشتند و از سوی دیگر مشکلات سیاست‌های مهاجرتی آمریکا را برای واشینگتن نشینان بیشتر آشکار می‌ساخت. یک ماه پس از اجازه کاسترو برای این مهاجرت، سفر با قایق به پایان رسید؛ زیرا لیندون جانسون، رئیس جمهور وقت آمریکا، اعلام کرد که مهاجران جدید کوبایی حق ورود به آمریکا را خواهند داشت؛ ولی باید روند قانونی آن را طی کنند. بر اساس روند قانونی جدید برای مهاجرت کوباییان به آمریکا، با استفاده از «پروازهای آزادی»^۲ بیش از سیصد هزار کوبایی بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۳ به آمریکا مهاجرت کردند. در این سال، کاسترو به صورت یک طرفه این پروازها را لغو کرد (Croucher, 1997: 45).

1. Cuban Refugee Program.
2. Freedom Flights.

۱.۳. مهاجرت قایق‌سواران ماریل

کارتر در بخشی از شعارهای حقوق بشری در دوران انتخاباتش، به مقام‌های کوبایی گفت و گو درباره زندانیان سیاسی را پیشنهاد کرد. کاسترو نیز با گفت و گو موافقت کرد تا شاید بتواند با بهبود روابط عمومی‌اش با کوبایی‌های ساکن آمریکا، یکپارچگی میان آنها را از بین ببرد و به این وسیله از قدرت لابی آنها در واشینگتن بکاهد. نتیجه این گفت و گوها در داخل کوبا، ایجاد تحرک در عامه مردم و شاید هم آغاز دور جدید مهاجرت با قایق بود.

عامل تسریع‌کننده این دور از مهاجرت‌ها، بحران به وجود آمده در سفارت پرو در کوبا بود. در مارس ۱۹۷۹، شش کوبایی با اتوبوس از دیوار حفاظتی سفارت پرو گذشتند. کاسترو که احساس کرد این کار، خواست ملی است، دستور داد محافظان سفارتخانه، آنها را ترک کنند و در نتیجه بسیاری از کوبایی‌ها برای دریافت پناهندگی به آنجا هجوم بردند. تنها ظرف چند روز، سفارتخانه را ده هزار کوبایی اشغال کردند؛ در حالی که پرو تنها امکان پناهندگی برای هزار تن را داشت. کاسترو که موقعیت را برای ایجاد اختلاف میان مخالفان مناسب می‌دید، اعلام کرد این کوبایی‌ها و هر کوبایی دیگری که می‌خواهد، می‌تواند کوبا را از راه بندر ماریل و به وسیله قایق ترک کند.

شرایط ترک کوبا این‌گونه بود که آمریکاییان کوبایی‌تبار که خواستار خروج اقوامشان از کوبا بودند، می‌بایست به ماریل آمده، اشخاصی را که دولت کاسترو انتخاب کرده بود به همراه خانواده‌شان از کوبا خارج می‌کردند. در این دوره، حکومت کوبا عده زیادی از بیماران روانی را نیز با قایق به خارج از کشور فرستاد؛ بسیاری از این افراد به طور مستقیم از بیمارستان به ساحل آورده شده بودند. سیاست کوبا برای صادر کردن مخالفان، صادرات مجرمان و بیماران روانی به آمریکا را نیز در بر گرفته بود. تخمین زده می‌شود حدود ۱۲۵ هزار کوبایی در این دوره پنج‌ماهه با قایق به آمریکا مهاجرت کرده باشند (Gonzalez Pando, 2008: 66). بیشتر این مهاجران جدید از طبقات پایین اجتماع و رنگین‌پوست بودند و این نگرانی را در میان جامعه کوباییان سفیدپوست و از طبقه متوسط میامی ایجاد کرد که وحدتشان از بین برود.

عده زیاد مهاجران در جنوب فلوریدا و کمبود خانه، بیکاری و رشد جرایم سبب شد تا جیمی کارتر در آنجا حالت فوق‌العاده اعلام کرده، ده میلیون دلار برای کمک به دولت محلی برای ساماندهی این وضعیت اختصاص دهد. برای جامعه آمریکاییان کوبایی‌تبار، این شرایط سبب شد تا الگویی که آنها از خود به دست داده بودند، رو به بی‌اعتباری بگذارد و رسانه‌های آمریکایی تصویر دیگری از مهاجران کوبایی نشان دهند؛ این تصویر به تدریج کل جامعه کوباییان را شامل شد (Idem: 70). آمریکایی‌ها از تبدیل شدن کشورشان به محلی برای

نگهداری بیماران اجتماعی کوبا، ناراحت بودند و به این مسئله اعتراض می‌کردند (Garcia, 1996: 66).

آمریکاییان کوبایی تبار نیز برخورد بسیار بدی با مهاجران جدید داشتند و به گونه‌ای با آنها رفتار می‌کردند که گویی اصلاً کوبایی نیستند. مهاجران کوبایی بندر ماریل اظهار داشته‌اند که بدرفتاری کوبایی‌ها با آنها بسیار بیشتر از بدرفتاری خود آمریکایی‌ها بوده است (Idem: 73). مهاجرت از بندر ماریل در سال ۱۹۸۰ سبب دگرگونی بافت جمعیتی مهاجران کوبایی در آمریکا شد. بیشتر مهاجران جدید، رنگین‌پوست بودند و همین امر سبب تغییر ظاهر مهاجران کوبایی در آمریکا شد. از سوی دیگر، بیشتر این جمعیت جدید، غیرسیاسی بوده، برای بهبود وضعیت اقتصادی به آمریکا مهاجرت کرده بودند و به همین سبب، برای جذب در جامعه فرهنگی کوباییان ساکن میامی نیاز به آموزش و زمان داشتند.

۲. زمینه فرهنگی لابی کوبا

کوبایی‌های مهاجر به آمریکا در دور اول، در مقابل این اندیشه که باید آرزوی آمریکایی شدن داشته باشند، مقاومت کرده، آن را رد می‌کردند. آنها خود را پناهندگان سیاسی می‌دانستند که بر اثر انقلاب، به خارج از کشور خود تبعید شده‌اند و در صورت تغییر رژیم در کوبا، به آنجا بازگشته، دوباره کوبایی می‌شوند؛ یکی از این افراد اظهار داشته است: «ما هرگز انتخاب نکردیم که به آمریکا بیاییم. فیدل کاسترو ما را از کوبا اخراج کرد و مجبور شدیم به میامی پناهنده شویم. ما آمریکایی نیستیم و وقتی تبعید اجباری ما به پایان برسد، خواهید دید که بسیاری از ما به جای مهاجر بودن، بازگشت به خانه را انتخاب خواهد کرد» (Rieff, 1993: 28).

اگرچه کوبایی تباران برای همسانی فرهنگی با دیگر آمریکاییان تحت فشار بودند، مفهوم تبعیدی سیاسی این امکان را به آنها می‌داد تا احساس هویت و جامعه را میان خود ایجاد کنند. مهاجران اولیه، نخبگان سیاسی بوده، از سوی دولت آمریکا نیز این انگاره پذیرفته شده بود که آنها مبارزان راه آزادی‌اند و باید در جنگ سرد از آنها حمایت شود (Gonzalez Pando, 2008: 32).

جامعه کوباییان در میامی، منطقه «هاوانای کوچک» را ایجاد کرده که مجموعه‌ای از شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی است و سعی دارد تا از سویی روابط کوبایی‌ها را با مردمان آمریکا تنظیم کند و از سوی دیگر، حافظ انگاره تبعیدی سیاسی باشد. سنت تاریخی کوبا که روابط گسترده خانوادگی را در دل خود داراست، کمک کرده است تا این جامعه قوی‌تر ظاهر شود. نسل‌های اولیه مهاجران کوبایی از پذیرش تابعیت آمریکایی خودداری می‌کردند و اظهار می‌داشتند که پذیرش شهروندی آمریکا سبب تبعیدی محسوب نشدنشان خواهد شد و ممکن

است وفاداری خود را به کوبا از دست بدهند. این امر نشان‌دهندهٔ جدیت مبارزهٔ سیاسی در میان آنها بود (Garcia, 1996: 112). رسانه‌های کوبایی در آمریکا نیز با ملی‌گرا خواندن پناهندگان کوبایی، سعی در تقویت احساس همبستگی میان آنها و جلوگیری از جذب شدنشان در فرهنگ آمریکایی داشتند.

از سال ۱۹۷۳، منطقهٔ هاوانای کوچک، دومین مرکز تجمع کوبایی‌ها روی کرهٔ زمین است (Gonzalez Pando, 2008: 48). تنها، شهر هاوانا بیشتر از آنجا جمعیت دارد. علت این امر علاوه بر مهاجرت، آن است که از دههٔ هفتاد، کوبایی‌هایی که در دیگر مناطق آمریکا زندگی می‌کردند نیز به میامی آمدند تا در هاوانای کوچک و در میان فرهنگ کوبایی به زندگی خود ادامه دهند. حدود چهل درصد ساکنان کوبایی میامی، پیش از اواخر دههٔ هفتاد در شهر دیگری از آمریکا ساکن بودند. در میامی، کوبایی‌ها می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند و فرهنگشان را نیز حفظ کنند. همچنین از اواخر دههٔ هفتاد، کوبایی‌تباران دخالت در سیاست را آغاز کرده، تابعیت آمریکا را قبول کردند تا بتوانند در این کشور مشارکت فعالی داشته باشند. علت این تغییر رویه آن بود که آنها در صورت تشکیل لابی فعالی در داخل آمریکا، فایدهٔ بسیار بیشتری برای مخالفان حکومت کوبا داشتند. به این ترتیب، آمریکاییان کوبایی‌تبار به لابی سستی قومی‌ای تبدیل شدند که در امور سیاسی حضور فعالی دارد. این لابی با مشارکت در مبارزه‌های سیاسی می‌تواند رأی‌شایان توجهی را در انتخابات‌های بنیابین فراهم کند و اهمیت یابد؛ به عبارت دیگر، جامعهٔ کوبایی‌تباران ساکن آمریکا با پیوستگی در امور سیاسی، توانسته است قدرت چشمگیری برای خود به دست آورد. اگرچه پیوستگی قومی سبب مشکلات اقتصادی برای کوبایی‌ها به دلیل عدم توان پاسخگویی اقتصادی میامی به همهٔ آنها شده است، آنها توانسته‌اند سیاست اجتماعی خود را کنترل کنند و اعتقادات محافظه‌کارانه را در میان خود رواج دهند. در هر جامعهٔ قومیتی، تفاوت قومیتی رفتاری پذیرفتنی نیست (Fernandez, 2009: 117). زندگی در میامی سبب شده است مهاجران کوبایی بتوانند هویت خود را بدون ایجاد تضاد فرهنگی حفظ کنند. این مهاجران آزادند که کوبایی باشند و به زبان اسپانیولی صحبت کنند و مشکلی هم با هویت آمریکایی نداشته باشند.

۳. زمینهٔ اقتصادی لابی کوبا

اقتصاد بسته به معنای قرارگرفتن سرمایه، تجارت و کارگر در اختیار یک گروه خاص قومیتی است؛ به جای اینکه از منابع خارجی نیز استفاده کند. جامعهٔ کوباییان از لحاظ اقتصادی به خودکفایی رسیده‌اند؛ به این معنا که برخلاف بسیاری از جوامع دیگر، قادر به تأمین نیازهای

اقتصادی و فرهنگی خود از داخل اند و نیازی از این جهت به دیگران ندارد (Forment, 1989: 47).

کارگران از همکاری دوستان مهاجرشان بهره‌مند می‌شوند و به‌خوبی می‌دانند که در صورت رسیدن به جایگاه بالا و ارتقا در نظام باید به یاد گروه قومیتی خود بوده، منافع را با آنها تقسیم کنند؛ بنابراین منافع همکاری اقتصادی برای هر دو سرگروه کارگر و مدیر وجود دارد. اقتصاد بسته این گروه سبب تقویت حس همکاری و یکپارچگی میان آنها نیز شده است.

این خواست عمومی میان مهاجران که وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند، جنبه دیگری از سیاست ضدکمونیستی مهاجران است. برد اقتصادی این افراد در داخل نظام سرمایه‌داری آمریکا، نه تنها به معنای قدرت یافتن فردی و گروهی آنهاست، بلکه از لحاظ جهانی نیز به معنای برتری نظام بازار آزاد بر اقتصاد کمونیستی بوده، ممکن است عامل فشاری بر حکومت کوبا تلقی شود.

ذهنیت تبعیدی سیاسی بودن سبب شده است تا جامعه کوبایی‌ها علاوه بر اینکه خود را از حوزه سیاست آمریکایی خارج می‌دانند، از حیطة اقتصاد عمومی آمریکا نیز خارج بدانند. این اخراج خودخواسته از فضای اقتصاد عمومی آمریکا همراه با توانایی اندک در دانستن زبان انگلیسی سبب شده است تا جامعه کوبایی‌ها به‌صورت اقتصاد ثانویه‌ای در اطراف خودش شکل بگیرد و بیشتر در بخش خدمات و در رشته‌هایی که در زمان کوتاه نتیجه می‌دهد، مانند خدمات خصوصی و ساده، فعال باشد. نخستین مهاجران کوبایی سطح سواد بالایی داشتند و بر آن بودند تا فرزندانشان نیز تحصیلات عالی داشته باشند. تجربه به آنها آموخته بود که دولت می‌تواند اموالشان را تصاحب کند، ولی نمی‌تواند تحصیلاتشان را از آنها بگیرد. متخصصان جوان این خانواده‌ها، دوباره به جامعه کوبایی‌ها باز می‌گردند تا گستره خدمات اقتصادی و اجتماعی در این جامعه کامل شود و بیشتر این افراد، مشاغلی مانند پزشکی و حقوق را برعهده می‌گیرند.

کوبایی‌ها در میامی حتی نظام بانکی خود را نیز در اختیار دارند. مهاجرانی که تازه از کوبا به آمریکا می‌آیند، اغلب از لحاظ مالی وضع مناسبی ندارند و مؤسسه‌های مالی جامعه کوباییان به‌جای تکیه بر وضعیت مالی وام‌گیرنده، از شخصیت اخلاقی او به منزله ضمانت بازپرداخت وام استفاده می‌کنند (Gonzalez Pando, 2008: 51). اگرچه نظام سنتی بانکداری چنین اقدامی را غیرعقلانه می‌داند، در عمل تجربه نشان داده است که چنین کاری سبب می‌شود تا اعتمادی دوجانبه میان مؤسسه و فرد ایجاد شود و در آینده نیز فرد کوبایی از بانک‌های کوبایی‌ها برای تجارت استفاده کند و عوایدش را با این بانک‌ها تقسیم کند.

البته موفقیت جامعه اقتصادی کوبایی‌ها علتی اجتماعی نیز دارد. در دهه هفتاد، زنان کوبایی بزرگ‌ترین گروه زنان کارگر را در آمریکا تشکیل دادند (Garcia, 1996: 109). کار زنان به امری پذیرفته در فرهنگ اجتماعی تبدیل شد و خانواده از منافع آن بهره‌مند شد. درآمد دوطرفه خانواده‌ها سبب تقویت اقتصادی جامعه کوبایی‌ها شد و در پویایی اقتصادشان بسیار مؤثر بود. علت این امر نیز وجود سنت خانواده‌های گسترده در کوبا بود که به آن اشاره شد. این خانواده‌ها، نه تنها از همدیگر حمایت مالی می‌کردند، بلکه بسیاری از خدمات خانه‌داری را نیز برای همدیگر انجام می‌دادند تا زنان بتوانند به کار خارج از خانه نیز بپردازند و از درآمدهای آن بهره‌مند شوند. این ارتباط قوی خانوادگی، یکی از دلایل موفقیت کوبایی‌ها در جامعه آمریکاست.

۴. سیاست آمریکاییان کوبایی‌تبار

کوبایی‌تباران نیز مانند دیگر اقلیت‌های مهاجر در آمریکا که دخالتی در سیاست ندارند، طعمه خوبی برای سیاستمداران آمریکایی‌اند که رأیشان را به دست آورند (Gonzalez Pando, 2008: 150). چنین نظری برای آن زمان که کوبایی‌ها هنوز خود را تبعیدی سیاسی می‌خواندند و ملیت آمریکایی را قبول نکرده بودند، ممکن بود درست باشد؛ ولی با واقعیت کنونی آنها در جامعه آمریکا سازگار نیست. از زمانی که کوبایی‌تباران دریافتند که می‌توانند از راه دخالت در سیاست آمریکا به موفقیت‌های بیشتری دست یابند، ماهیت سیاست‌های گروهی آنها تغییر کرد و از فعالیت صرف در بخش اقتصادی به فعالیت سیاسی نیز کشیده شدند. پس از این است که سیاست در جنوب فلوریدا حالت شبه‌واقعی پیدا می‌کند و نامزدهای پست‌های محلی به جای صحبت درباره آنچه در آینده باید انجام دهند، به اظهار نظر درباره سیاست خارجی آمریکا در قبال کوبا می‌پرداختند؛ در حالی که این امر هیچ ارتباطی به وظایف کاری آنها نداشت (Idem: 151).

کوبایی‌تباران پیوند احساسی قوی با سرزمین مادری خود دارند؛ حتی در بین نسل‌های اخیر مهاجران کوبایی، ارتباط با فرهنگ و سنت کوبا سطح بالایی دارد. در سال ۱۹۶۳ تعداد سازمان‌های پناهندگان سیاسی کوبا آنقدر زیاد شد که وزارت خارجه و دادگستری آمریکا توان نظارت بر همه آنها را نداشت (Garcia, 1996: 130-131). گروه‌های مسلح، سازمان‌هایی مانند شورای انقلابی کوبا^۱ را تشکیل دادند که نقشه حمله به کوبا را در سر داشت. دیگر گروه‌ها، خود را در چارچوب دولت در تبعید^۲ سازمان دادند.

1. Cuban Revolutionary Council.
2. Government in Exile.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، بیشتر سازمان‌های نظامی منحل شده و تنها عده کمی بر این عقیده باقی ماندند که کاسترو باید با خشونت کنار زده شود. اتفاق‌هایی مانند حمله به قایق‌های کوبایی یا بمبگذاری در هواپیمای کوبا در سال ۱۹۷۶ سبب شد تا بسیاری از کوبایی‌تباران این انگاره را رها کنند که کاسترو باید با چنین وسایلی کنار زده شود. جامعه کوباییان تحت فشار دو عامل قرار داشت: از سویی امید به موفقیت حمله مسلحانه به کوبا و سرنگونی رژیم کاسترو بسیار کم بود و از سوی دیگر، کشور آمریکا برای تحمیل هنجارهای فرهنگی و سیاسی‌اش بر آنها فشار وارد می‌کرد. به همین دلیل، کوبایی‌تباران کم‌کم دریافتند که برای تغییر نظام سیاسی کوبا باید به کار در چارچوب ساختارهای سیاسی آمریکا روی آورند.

دهه هشتاد امید را به جامعه کوبایی‌تباران بازگرداند. انتخاب رونالد ریگان، امیدوارکننده بود؛ زیرا نگاه او به کمونیسم، انعکاس نگاه جامعه کوبایی‌تباران به شمار می‌رفت. در حالی که دولت پیشین در پی نزدیک شدن به کاسترو بود، ریگان استفاده از سیاست‌های سخت را برای مقابله با کوبا ترجیح می‌داد. حمایت از ریگان در میان کوبایی‌تباران ساکن میامی در انتخابات سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴ حدود نود درصد بود. در خارج از فلوریدا نیز ریگان، دوسوم آرای کوبایی‌تباران را کسب کرد (Idem: 146). جورج بوش پدر نیز ۸۵ درصد آرای جنوب فلوریدا را به خود اختصاص داد (Idem: 156).

مهم‌ترین نتیجه‌ای که در دهه هشتاد برای کوبایی‌ها حاصل شد، شکل‌گیری صدای واحد آمریکاییان کوبایی‌تبار فعال در واشینگتن بود که می‌خواست بر سیاست خارجی آمریکا در قبال کوبا تأثیر بگذارد. این صدای واحد با این انگاره همراه شد که میامی یکی از معدود شهرهای آمریکاست که سیاست خارجی خاص خود را دارد (Croucher, 1997: 146). این دو عامل سبب شد تا کوبایی‌تباران دریابند که به سازمانی در واشینگتن برای نمایندگی خواسته‌هایشان نیاز دارند. ذهنیت تبعیدی بودن سبب شد تا آمریکاییان کوبایی‌تبار از فرصت‌های سیاسی در سطح محلی صرف نظر کنند؛ زیرا سیاست‌های محلی برای کسانی که حضور را موقت می‌دانند و در پی ایجاد شرایطی برای بازگشت خودند، اهمیت زیادی ندارد و به جای آن، تمرکز خود را بر سیاست خارجی آمریکا نسبت به کوبا قرار دادند.

۵. بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی‌تبار: مهم‌ترین مؤسسه لابی کوبا

جامعه کوبایی‌تباران پس از دستیابی به موفقیت اقتصادی، به سرعت وارد سیاست محلی شد. اندیشه تبعیدی بودن کوبایی‌ها همراه با ادامه موفقیت‌های کاسترو، به صورت طبیعی سبب شد تا آنها به سمت سیاست خارجی گرایش پیدا کنند. در سال ۱۹۸۱، گروه کوچک و ثروتمندی از کوبایی‌تباران که بیشترشان از فعالان در جنگ خلیج خوک‌ها بودند و بانکدار ثروتمندی به نام

جورج ماس کانوسا^۱ آنها را رهبری می‌کرد، بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار^۲ را تأسیس کردند. آنها امیدوار بودند که این سازمان بتواند به سازمانی قوی برای لابی کردن در واشینگتن تبدیل شود که منافع کوبایی تباران را در قبال کوبا پیگیری کند. پس از اختلاف‌های سال ۱۹۷۸ برای گفت‌وگو با دولت کوبا و همچنین تغییر جمعیتی در پی مهاجرت از بندر ماریل، انتخاب رئیس جمهوری از حزب جمهوریخواه این امید را در جامعه کوبایی تباران به وجود آورد که سیاست آمریکا در قبال کوبا با خواسته‌های آنان همخوان شود. این سازمان، انگاره فتح کوبا با حمله نظامی را کنار گذاشت. لابی کوبا به جای حمله نظامی تلاشش را صرف ایجاد فشار سیاسی و اقتصادی از نوعی که در سیاست آمریکا مرسوم است، برای کنار زدن کاسترو کرد. ریچارد آلن، مشاور امنیت ملی دولت ریگان، در مبارزه‌های انتخاباتی سال ۱۹۸۰ و در دیدار با آمریکاییان کوبایی تبار، به آنها توصیه کرد از تاریخ فعالیت کمیته امور عمومی آمریکا-اسرائیل درس گرفته، تجربیاتش را به کار گیرند (Stone, 1993: 450).

بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار این پیشنهاد را پیگیری و دفاترش را در واشینگتن متمرکز کرد و سعی کرد با فاصله گرفتن از فعالیت در میامی در پی اثرگذاری در واشینگتن باشد. این گروه، سازمانی را برای فعالیت سیاسی تأسیس کرد و نامش را «کمیته فعالیت سیاسی کوبای آزاد»^۳ گذاشت. این سازمان با کمک‌های برنارد بارنت که از نیروهای مهم اپیک بود، سازماندهی شد. کمیته فعالیت سیاسی کوبای آزاد از زمان تأسیسش، مشارکت فعالی با سیاستمداران هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات برای اعمال سیاست‌های ضدکاسترویی داشته است.

ماس کانوسا درباره اینکه چگونگی تغییر نگرش کوبایی تباران نسبت به دشمن‌شان و برخورد با او می‌گوید:

«در آن زمان برای ما بسیار مهم بود که بتوانیم در کشوری که زندگی می‌کنیم، در مقابل کاسترو پیروزی سیاسی به دست آوریم. ما بسیار زود دریافتیم که برای تأثیر بر نظام حکومتی آمریکا باید از شیوه یهودی‌ها استفاده کنیم. به همین سبب پیوند بسیار نزدیکی با لابی یهود و جنبش یهودیان در واشینگتن برقرار کردیم. ما راهبرد کلی خود را تغییر داد، تصمیم گرفتیم شیوه جدیدی را برای مقابله با دشمن‌مان پیگیری کنیم» (Gonzalez Pando, 2008: 158).

موضع شدید ضدکمونیستی دولت ریگان در موفقیت بیشتر بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار مؤثر بود. در دهه هشتاد، سیاست آمریکا بسیار دست راستی شد و این امر با سیاست کوبایی تباران نیز همخوان بود.

1. Jorge Mas Canosa.

2. Cuban American National Foundation (CANF).

3. Free Cuba Political Action Committee (Free Cuba PAC).

در زمینه موفقیت بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار باید این نکته را هم اضافه کرد که این گروه توانسته بود حمایت مالی پنجاه هزار عضو را به دست آورد که بیشتر آنها از تجار شناخته شده و صاحب نفوذ میامی بودند (Garcia, 1996: 149). برخلاف دیگر گروه‌های لابی که مبدأ حرکتشان در واشینگتن شکل گرفته بود؛ لابی کوبا، رهبری‌اش در میامی و شاخه‌های عملیاتی‌اش در واشینگتن قرار داشت. لابی‌کنندگان گروه بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار برخلاف لابی‌کنندگان حرفه‌ای، در پیگیری کارشان علائق شخصی و احساسی داشتند و این امر نیز در موفقیتشان مؤثر بود (Idem: 150).

یکی از نخستین موفقیت‌های چشمگیر این بنیاد، تأسیس رادیو مارتی^۱ در مه سال ۱۹۸۵ بود. رادیو مارتی قسمتی از صدای آمریکا بود که بر اساس تجربه رادیوی اروپای آزاد، تأسیس شده بود و تلاش داشت با پخش اخبار و موسیقی، مردم کوبا را به سمت آمریکا جذب کرده، نوعی جنگ تبلیغاتی را علیه کاسترو به راه اندازد. این تجربه در خصوص دیگر کشورها نیز تکرار شده که نمونه آن، «رادیو فردا» است که برای مقابله با جمهوری اسلامی تأسیس شده و هنوز هم به فعالیت مشغول است.

همچنین، بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار موفق شد دولت آمریکا را قانع سازد تا قطعنامه‌ای بر ضد کاسترو در سازمان ملل تصویب کند. این قطعنامه عملکرد حقوق بشری رژیم کاسترو را محکوم کرده، از دولت کوبا می‌خواست تا آزادی و حقوق شهروندان را به رسمیت بشناسد و اجازه مهاجرت را به هرکسی که خواهان آن است، اعطا کند. این قطعنامه تصویب نشد؛ زیرا ائتلاف کشورهای آمریکای لاتین و اروپای شرقی موفق شد تا به نام جلوگیری از سیاسی شدن روند بررسی حقوق بشر، مانع تصویب آن شود (Idem: 160-161).

اگرچه تمرکز مشخص بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار بر سرنگونی کاسترو بود، آنها لابی‌هایی را نیز برای متوجه کردن آمریکا به وضعیت آنگولا انجام دادند. در آنگولا، ارتش کوبا به همراه نیروهای شوروی مشغول جنگ علیه مبارزان آزادی با رهبری جوناس ساویمبی^۲ بودند. به دلیل قرابت فکری موجود میان بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار با دولت ریگان، آنها نیز از کتراه‌ها در نیکاراگوئه حمایت می‌کردند؛ زیرا حکومت انقلابی آنجا را موجب خدشه وارد شدن به اقدار موجود در آمریکای لاتین می‌دانستند. در آن زمان، حکومت‌های آمریکای لاتین و آمریکای جنوبی را حاکمانی اداره می‌کردند که بیشتر نظامی و کاملاً طرفدار آمریکا بودند. کوبایی‌ها مخالفی ویژه با رها کردن کتراه‌ها به حال خودشان داشتند؛ زیرا خودشان تجربه وعده حمایت نظامی و سپس فراموش کردن آن را داشتند (Idem: 155).

1. Marti Radio.

2. Jonas Savimbi.

در سال ۱۹۹۰، رهبران بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار در میامی موفق شدند جلو استقبال رسمی از نلسون ماندلا در این شهر را بگیرند. این حرکت سبب خشم جمعیت وسیع سیاهان این شهر شد؛ اما نلسون ماندلا باید می دانست که حمایت از کاسترو نتیجه‌ای جز عدم استقبال در شهر تحت تسلط سیاسی آمریکاییان کوبایی تبار را نخواهد داشت. همچنین در سال ۱۹۹۱، از برگزاری جشن عمومی برای انتخاب رئیس جمهوری جدید در هایتی به سبب حضور کاسترو در آن جلوگیری شد.

با وجود این، بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار و شخص جورج ماس از انتقادهای جامعه کوباییان مصون نبودند. یکی از روزنامه نگاران کوبایی تبار در مقاله مشهوری در این زمینه نوشت که عده زیادی و از جمله دوستان نزدیک ماس کانوسا، او را شخصی خودرأی و به دور از علائق دموکراتیک می دانند (Sleek, 1996: 40).

همچنین درباره آنها بیان شده است که سلطه بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار بر امر لابی سیاسی ممکن است سبب فشار بر آمریکاییان کوبایی تبار میانه‌رو درباره کاسترو و از بین بردن فضای باز و بحث آزاد و حتی در خطر قرار گرفتن هدف مهم ایجاد دموکراسی در کوبا شود (Idem: 40). یکی از کوبایی تباران گفته است: «من برای جامعه کوباییان در میامی متأسفم؛ زیرا آنها فقط حق را به خودشان می دهند و این همان کاری است که کاسترو در کوبا انجام می دهد؛ هر دو تمامیت خواهند و این برای ما بد است؛ زیرا ما قربانیان چنین چیزی شده ایم» (Didion, 1987: 113).

در سال ۱۹۹۳ و در واکنشی به یک‌سویه بودن سیاست آمریکا نسبت به کوبا که با خواست همه کوبایی تباران نیز همخوان نبود، کمیته کوبایی برای دموکراسی^۱ تأسیس شد تا تلاش کند تغییرات ملایم و بدون خشونت در کوبا اتفاق بیفتد و روابط آمریکا نیز با کوبا بهبود یابد. اگرچه این کمیته تلاش‌هایی انجام داد و همایش‌ها و کارگاه‌هایی نیز درباره لزوم رابطه بین کوبا و آمریکا برگزار کرد، موفقیتی به دست نیاورد؛ نبود انگیزه‌ای برای گفت و گو بین آمریکا و کوبا و همچنین کاهش تحریم‌های کوبا از سوی آمریکا، مهم‌ترین دلیل این مسئله است.

۶. مهم‌ترین اقدام‌های لابی کوبا

مهم‌ترین اقدام‌های لابی کوبا، تصویب دو قانون جامع در زمینه تحریم کوبا است که گرچه با مخالفت‌های جهانی روبه‌رو شده است، آمریکا همچنان به اجرای آنها اصرار دارد.

1. Cuban Committee for Democracy (CCD).

۱.۶. قانون توریسلی بیل^۱

در سرتاسر دهه هشتاد و اوایل دهه نود، تحریم‌های اقتصادی علیه دولت کوبا به شدت افزایش یافت که اوج آن در قانون دموکراسی در کوبا در سال ۱۹۹۲ بود که به نام توریسلی بیل نیز مشهور است. این قانون با حمایت رابرت توریسلی، نماینده جمهوریخواه نیوجرسی تصویب شد. توریسلی، بیشترین کمک کوباییان را در مبارزه‌های انتخاباتی دریافت کرد (LeoGrande, 1998: 74). بر اساس این قانون، شرکت‌های زیرمجموعه شرکت‌های آمریکایی از تجارت با کوبا منع شده بودند و به این ترتیب، دیگر شرکت‌های آمریکایی نمی‌توانستند با تأسیس شرکتی تابعه در کشوری سوم، تحریم‌های آمریکا علیه کوبا را دور بزنند. این قانون همچنین رئیس‌جمهور را موظف می‌کرد تا کمک‌های اقتصادی و توافقنامه‌های تجارت آزاد را با کشورهایی که با کوبا تجارت می‌کنند، به حالت تعویق در آورد. اگرچه جامعه آمریکاییان کوبایی تبار از تصویب چنین قوانین محدودیت‌زایی خوشحال می‌شدند، جهان با آمریکا در زمینه اینچنین سیاست‌هایی موافق نبود. در نوامبر ۱۹۹۲، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای را با فقط سه رأی مخالف تصویب کرد که در آن نه تنها قانون دموکراسی در کوبا، بلکه تمام تحریم‌های تجاری علیه کوبا محکوم شده بود. فقط رژیم اشغالگر اسرائیل و رومانی در کنار آمریکا به این قطعنامه رأی منفی دادند.

توریسلی بیل نمونه روشنی از قدرت لابی کوبا بود. بوش پدر از این قانون حمایت نمی‌کرد و مخالف تصویب آن در کنگره بود؛ اما بیل کلیتون که نامزد ریاست جمهوری بود، اعلام کرد که از این قانون حمایت خواهد کرد (Stone, 1993: 450). اگرچه کوبایی تباران به دلیل سیاست ضدکمونیستی، همیشه به سمت جمهوریخواهان گرایش داشته‌اند، در این مورد خاص تصمیم به بازی سیاسی در عرصه ملی گرفتند و اعلام کردند از کسی حمایت می‌کنند که از خواست آنها پیروی کند. بوش پدر نیز از ترس به دست نیارودن رأی کوبایی تباران در انتخابات، امضای قانون توریسلی بیل را پذیرفت.

۲.۶. قانون هلمز-برتون^۲

در اوت ۱۹۹۴، در پاسخ به امتناع کاسترو از جلوگیری از تردد غیرقانونی قایق‌ها از کوبا، کلیتون با اعلام غیرقانونی بودن انتقال پول آمریکا به کوبا، پیروزی مهم دیگری را به بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار تقدیم کرد. این دستور، بنیاد را قادر می‌ساخت بیشترین فشار را بر حکومت کوبا وارد سازد. از سوی دیگر، کلیتون نگران وقوع ماریل دیگری بود. همان‌گونه که

1. Torricelli Bill Act.

2. Helms-Burton Act.

ذکر شد، حادثه بندر ماریل، سبب شد تا کارتر رئیس جمهوری ضعیف به نظر برسد و این یکی از دلایل شکست فضاحت‌بار او در سال ۱۹۸۰ بود (LeoGrande, 1998: 77).

راهبرد قدرت‌یابی اقتصادی بنیاد ملی به نتایج مطلوب رسیده بود و در مقاطع حساس، توانش را بیش از پیش نشان می‌داد. در فوریه ۱۹۹۶، ارتش کوبا دو هواپیما را که برای بنیاد ملی آمریکاییان کوبایی تبار فعالیت می‌کرد، سرنگون کرد. این بنیاد قبول داشت که در پروازهای پیشینش به فضای کوبا تجاوز کرده است؛ اما درباره محل سرنگونی این پروازها اختلاف وجود داشت. اگرچه کلیتون چند ماه پیش، از قوانینی که سبب اعمال تحریم‌های کوبا علیه متحدان آمریکا شده بود، انتقاد و با آنها مخالفت کرده بود، سرنگونی هواپیماهای مسافربری سبب بسیج جامعه آمریکاییان کوبایی تبار شد. در نتیجه، در سال ۱۹۹۶ کنگره قانون آزادی کوبا و تضمین دموکراسی^۱ را تصویب کرد که به قانون هلمز-برتون نیز مشهور است. کلیتون نیز به دلیل فشار داخلی موجود، این قانون را امضا کرد.

هلمز-برتون نیز مانند توریسلی بیل، در سال انتخابات تصویب شد و سبب بین‌المللی‌سازی تحریم‌های آمریکا علیه کوبا شد. این قانون موجب محدودیت تجارت با کشورهایی می‌شد که با کوبا دادوستد می‌کردند و همچنین سرمایه‌گذاری در این جزیره را ممنوع می‌کرد (Perez, 2007: 270). همچنین، این مصوبه با قانونی کردن تحریم‌ها علیه کوبا، امکان بازتعریف و بهبود روابط با کوبا بر اساس منافع ملی را از رئیس جمهور آمریکا سلب می‌کرد (Listo, 2010: 708).

نتیجه عملی تصویب چنین تحریم‌هایی نشان از این داشت که خواست بسیاری از سیاستمداران آمریکایی برای تغییرات آرام در کوبا و حرکت این کشور به سمت دموکراسی به تدریج در حال فراموشی است (Listo, 2010: 710). جامعه آمریکاییان کوبایی تبار که از رفتار کلیتون راضی بود، تشکرش را با حمایت‌های مالی و رأی در انتخابات سال ۱۹۹۶ نشان داد. این بار نیز موضع کلیتون مانند قانون توریسلی بیل، هدفی داخلی داشت و نه خارجی (LeoGrande, 1998: 81). بنابراین، شگفت نیست اگر قانون هلمز-برتون را رئیس جمهور آمریکا در روز رأی‌گیری انتخابات اولیه ریاست جمهوری در فلوریدا در سال ۱۹۹۶ امضا کرده باشد. سازمان ملل از سال ۱۹۹۲، هر ساله تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه کوبا را محکوم می‌کند. ۲۶ اکتبر ۲۰۱۰، آخرین دفعه‌ای بود که مجمع عمومی در قطعنامه‌ای برای نوزدهمین بار این اقدام‌ها را محکوم کرد. این قطعنامه با رأی ۱۹۲ در مقابل ۲ تصویب شد. رأی دیگر در کنار آمریکا، مربوط به رژیم غاصب اسرائیل بود (<http://www.reuters.com/article/2010/10/26/us-cuba-embargo-un-idUSTRE69P3TK20101026> (March, 12, 2011)).

1. Cuban Liberty and Democratic Solidarity Act.

۷. علت اهمیت کوبایی‌ها در سیاست آمریکا

مهم‌ترین علت اهمیت کوبایی‌ها در آمریکا، میزان رأی آنها در ایالت فلوریدا است. در بسیاری از ایالت‌های آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری، نظام «برنده همه کارت‌ها را می‌برد»، حاکم است. این امر به این معناست که هرکس بیشترین رأی را در انتخابات ریاست جمهوری در آن ایالات به خود اختصاص دهد، همه آرای الکترونیکی آن ایالت را تصاحب خواهد کرد. از سوی دیگر، نحوه تقسیم آرای ایالت‌های مختلف میان دو حزب جمهوریخواه و دموکرات به گونه‌ای است که در انتخابات‌های بدون شرایط ویژه، به طور تقریبی می‌توان آرای بیشتر ایالت‌ها را از پیش تعیین کرد و به همین دلیل است که نامزدها باید توجه خود را به ایالت‌هایی معطوف کنند که کارت‌های الکترونیکی زیادی داشته، رأیشان نیز نامعلوم است. برای نمونه، در انتخابات‌های اخیر، سه ایالت پرجمعیت کالیفرنیا، نیویورک و تگزاس، رأیشان برای احزاب مشخص بوده است؛ به گونه‌ای که کالیفرنیا و نیویورک به نامزد حزب دموکرات و تگزاس به نامزد حزب جمهوریخواه رأی داده‌اند. به همین دلیل، صرف هزینه زیاد برای این ایالت‌ها چندان عاقلانه نیست و با کمی توجه می‌توان به داشتن کارت‌های الکترونیکی این ایالت‌ها امیدوار بود. در مقابل، سه ایالت فلوریدا با ۲۷، پنسیلوانیا با ۲۰ و اوهایو با ۱۸ کارت قرار دارند. در این سه ایالت بسیار مهم، آرای دو حزب بسیار به هم نزدیک است و نامزدها تلاش زیادی برای به دست آوردن رأی این ایالت‌ها می‌کنند.

انتخابات آمریکا به گونه‌ای است که هر نامزد در صورت بردن یازده ایالت دارای کارت الکترونیکی بیشتر، رئیس جمهور می‌شود و به رأی دیگر ایالت‌ها هیچ احتیاجی ندارد؛ اما تقسیم ایالت‌ها میان دو حزب به گونه‌ای است که باید برای چند ایالت دستخوش تغییر، برنامه‌ریزی و تلاش کرد؛ فلوریدا یکی از آنهاست. در انتخابات‌های اخیر، هر نامزدی که از سه ایالت مهم فلوریدا، پنسیلوانیا و اوهایو، دو ایالت را به خود اختصاص داده باشد، برنده انتخابات شده و اگر نتواند این کار را انجام دهد، انتخابات را از دست داده است. البته به طور معمول هر سه ایالت به برنده اختصاص دارد.

این نکته که ایالت فلوریدا محلی برای درگیری دو حزب باشد، در نگاه اول به ذهن نمی‌رسد. فلوریدا به صورت سنتی یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های جمهوریخواهان در جنوب کشور به حساب می‌آید و از دهه پنجاه به جز در سه انتخابات (۱۹۶۴، ۱۹۷۶ و ۱۹۹۶) همواره به نامزدهای حزب جمهوریخواه رأی داده است. بوش پدر در هر دو انتخابات سال ۱۹۸۸ و ۱۹۹۲ توانست کارت‌های الکترونیکی فلوریدا را تصاحب کند.

از سوی دیگر، دلایلی وجود دارد که دموکرات‌ها نیز به این ایالت امیدوار باشند. نخست اینکه، با وجود انتخاب هر باره جمهوری خواهان، این ایالت حزب دموکرات قوی‌ای نیز دارد. گرچه این ایالت در انتخابات ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ به بوش رأی داد، در انتخابات ۱۹۹۶ و ۲۰۰۸ رأیشان به نامزد دموکرات‌ها بود؛ بنابراین تفاوت در این ایالت چندان مشهود نیست. نمونه کامل آن هم انتخابات نزدیک سال ۲۰۰۰ بود که بوش با اختلاف کمتر از ۶۰۰ رأی توانست آرای اکثرال ایالت را به خود اختصاص دهد.

مهم‌ترین نمود اهمیت فلوریدا در انتخابات ریاست جمهوری مربوط به سال ۲۰۰۰ و رقابت بین جورج بوش پسر و ال‌گور بود. در آن انتخابات که مناقشه‌برانگیزترین انتخابات آمریکا لقب گرفت، بوش با حاشیه رأی ۵۳۷ در حدود شش میلیون رأی به پیروزی رسید که به معنای پیروزی با یک‌صدم درصد اختلاف است. این امر سبب اختلاف در شمارش آرا شد و بوش با رأی دیوان عالی که مقرر می‌داشت سرشماری دستی متوقف شود، پیروز در انتخابات معرفی شد. این امر نشان از امکان تغییر در رأی ایالت فلوریدا دارد. فلوریدا اهمیتش را به سبب رأی‌دهندگان اسپانیولی‌زبانش به خصوص کوبایی‌تباران بخش میامی دید^۱ در انتخابات بیشتر نمایان ساخته است.

به عقیده بسیاری، انتخابات سال ۲۰۰۰ آمریکا، سبب افزایش تأثیر جامعه آمریکاییان کوبایی‌تبار در آمریکا شد. به عقیده روزنامه‌نگاران و تحلیلگران سیاسی، بعد از نمود اجتماعی فاجعه بار الیان گونزالس ساگا^۲، رهبر جامعه کوبایی‌تباران، جایگاه اجتماعی آنها باید کاهش می‌یافت. این تفکر، عقلایی بود؛ زیرا این جامعه بسیاری از سرمایه سیاسی خود را در زمان رهبری الیان مصرف کرده بود. تقویت این امر زمانی بیشتر شد که عده‌ای از نمایندگان جمهوریخواه در کنگره، صحبت از پایان تحریم‌های کوبا را آغاز کردند و این مخالفتی آشکار با اهداف جامعه کوبایی‌تباران به حساب می‌آمد. اما حمایت کوبایی‌تباران از بوش، پیش و پس از انتخابات سبب شد تا اهمیت این جامعه بار دیگر مشخص شود. در حقیقت در آن سال، هرگونه تغییر در وضعیت سیاسی برادران بوش (جب بوش فرماندار فلوریدا و جورج بوش نامزد ریاست جمهوری) به نوع تعامل جامعه کوبایی‌تباران میامی بستگی داشت.

بوش پسر نیز پس از پیروزی در انتخابات، سیاست حمایت کامل از تحریم‌ها را پیگیری کرد. وی در مه ۲۰۰۱ اظهار داشت که دولتش با هرگونه تلاش برای تضعیف تحریم‌های دولت کوبا، مخالفت خواهد کرد. او در ژوئیه همان سال، مواضعش را تکرار و اعلام کرد که از تمام قدرت دولت آمریکا برای اعمال تحریم‌ها بهره خواهد برد. اما از سوی دیگر، او تلاش

1. Miami-Dade County.
2. Elian Gonzalez Saga.

کرد تا ارتباطات مردمی را گسترش دهد و حمایت از حقوق بشر را بیفزاید. همچنین، او از همه ابزارهای موجود برای غلبه بر محدودسازی دریافت رادیو و تلویزیون مارتی در کوبا استفاده کرد (http://www.centerforinternationalpolicy.org/ht/display/ContentDetails/i/653 (May,08,2011)).

اما مواضع کنگره در قبال کوبا چندان ثابت نیست و دوگانه به نظر می‌رسد. در کنگره ۱۰۶ آمریکا در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰، اعضا به دو قانون برای کاهش و افزایش تحریم‌ها رأی دادند. قانون اول، قانون اصلاح تحریم تجاری بود که در اکتبر ۲۰۰۰ به امضای کلیتون رسید و مقرر می‌داشت که صادرات غذا و دارو به کوبا مجاز است؛ اما آمریکایی‌ها حق حمایت مالی از چنین صادراتی را ندارند. همچنین، مجلس فرمان اجرایی ممنوعیت مسافرت گردشگری به کوبا را به قانون تبدیل کرد.

در سال اول کنگره ۱۰۷، بعضی از آرا نشان از تمایل برای کاهش تحریم‌ها داشت. مجلس نمایندگان با رأی زیادی خواستار لغو محدودیت سفر به کوبا شد و در دسامبر ۲۰۰۱، مجلس سنا خواستار کاهش محدودیت در حمایت مالی از فروش محصولات تجاری آمریکا به کوبا شد. در سال ۲۰۰۲ نیز درخواست برای رفع محدودیت سفر به کوبا و تجارت با آن ادامه داشت (http://www.cubafoundation.org/policy-2.html (October, 21, 2010)).

نکته آخر در این قسمت به سیاست کنونی آمریکا در قبال کوبا مربوط می‌شود. در زمینه سیاست اوپاما نسبت به کوبا، هنوز نمی‌توان اظهار نظر قطعی انجام داد. اوپاما پیش از ورود به کاخ سفید، از لزوم تغییر در روابط آمریکا با کوبا نسبت به قبل سخن گفته بود. به نوشته نیویورک تایمز، او در سخنرانی مه ۲۰۰۸ اظهار داشته بود: «جان‌مک‌کین در اطراف کشور می‌گردد و می‌گوید من می‌خواهم با راثول کاسترو ملاقات و گفت و گو کنم و به صرف چای بپردازم. این آن چیزی نیست که من گفته‌ام و مک‌کین نیز این را می‌داند. پس از هشت سال سیاست بی‌فایده جورج بوش، اکنون وقت آن رسیده است که از دیپلماسی مستقیم و سخن گفتن دوستانه بدون هیچ پیش‌شرطی در این زمینه استفاده کنیم» (http://thecaucus.blogs.nytimes.com/2008/05/23/obama-discusses-cuba-policy/?scp=2&sq=obama%20speech%20in%20may%202008%20cuba&st=cse (May, 11, 2011)).

در آوریل ۲۰۱۰، دولت اوپاما قسمتی از محدودیت‌ها علیه کوبا را لغو کرد. این کاهش تحریم‌ها، شامل مسافرت به کوبا و پرداخت هزینه سفر بود. به هر حال، هنوز تحریم‌های پنجاه سال گذشته برای کوبا و محدودیت تجارت با آن همچنان ادامه دارد و اوپاما نیز در پاییز گذشته، ادامه تحریم‌ها را تصویب کرد. روند تغییرات در این زمینه کند به نظر می‌رسد و مسئله جدیدی مشاهده نمی‌شود.

تنها نکته شایان توجه، رأی نیابردن لینکن دیاز بالارت از فلوریدا در انتخابات مجلس در سال ۲۰۱۰ است. او از سرسخت‌ترین نمایندگان مدافع تحریم کوبا و از حزب جمهوریخواه

بود و نتوانست در انتخابات سال ۲۰۱۰ به مجلس راه یابد. او حمایت کوبایی تباران افراطی را با خود داشت و نبودش در این دوره به خوبی ملموس خواهد شد و می‌تواند نوید امکان تغییر در روابط کوبا و آمریکا را دهد (-us-policy-toward- http://worldfocus.org/blog/2010/02/15/ cuba-remains-largely-unmodified/9685 (May, 11, 2011)).

۸. چشم‌انداز آینده لابی کوبا

عده‌ای در جامعه آمریکاییان کوبایی تبار در صدد گفت‌وگو با حکومت کوبا هستند. مهاجرانی که در زمان خروج از کوبا کودک بوده‌اند یا در آمریکا به دنیا آمده‌اند، همان حس پدران و پدربزرگانشان را نسبت به کوبا ندارند. بعضی به فکر اقوامشان اند که هنوز در کوبا زندگی می‌کنند. در حالی که افراد مسن هنوز اداره لابی را برعهده دارند و سیاست‌های سختگیرانه را در قبال کوبا پی می‌گیرند، بسیاری از آمریکاییان کوبایی تبار نگران اقوام و دوستانشان اند که در کوبا باید تحریم‌های وضع شده آمریکا را تحمل کنند (http://www.centerforinternationalpolicy.org/ht/display/ContentDetails/i/653(May, 08, 2011)).

کوبایی‌های جوان فهمشان از کوبایی بودن همان چیزی است که فرهنگ معاصر آمریکایی درباره تکرر نژادی در آمریکا به آنها آموخته است و دیگر تصورشان همانند تبعیدی‌های سیاسی نیست. کوبایی بودن به تدریج در حال رنگ باختن است؛ اما هنوز نخستین عامل هویت‌بخش به گروه‌های کوبایی است. از سوی دیگر، کوبایی‌ها نیز مانند دیگر گروه‌های قومی در آمریکا در حال جذب شدن به فرهنگ آمریکایی بوده، با دیگر گروه‌های نژادی ازدواج می‌کنند. میزان ازدواج نسل‌های جدید کوبایی‌ها در خارج گروه خودشان، به نسبت دیگر اسپانیولی‌زبان‌ها بسیار زیاد است (Hill and Moreno, 1996: 177)؛ زیرا بیشتر این افراد دارای سطح بالای سواد و رنگ پوست سفید بوده، گرایش‌های بازتر فرهنگی دارند. اما به هر حال تا کنون هیچ تفاوت سیاسی عمده‌ای در مواضع این گروه مشاهده نشده است (http://havanajournal.com/cuban_americans/entry/two_cuban_american_exile_groups_differ_on_cuba_policy/ (jan, 25, 2011)).

نتیجه

در این نوشتار، لابی کوبا و زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آمدن آن بررسی شد. همچنین نشان داده شد که این لابی کوچک چگونه توانسته با انسجام درونی و پیگیری اهدافی مشخص در سیاست خارجی آمریکا، این سیاست را برای پنجاه سال ثابت نگه دارد. سیاست آمریکاییان کوبایی تبار بر سرنگونی کاسترو از راه فشار اقتصادی و انزوای بین‌المللی استوار است و به همین دلیل، بر بیشتر شدن تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه کوبا تأکید دارند. این امر سبب شده است تا فشار شدیدترین تحریم‌های آمریکا بر کوبا وارد و دو

قانون جامع برای این هدف در کنگره آمریکا تصویب شود. می‌توان نتیجه گرفت که داشتن هدف مشخص سیاسی و انگیزه لازم برای پیگیری آن به همراه وجود منابع قدرت، این امکان را به گروه‌های سیاسی می‌دهد که در جامعه متکثر سیاسی آمریکا درصدد دستیابی به اهداف خود بوده، آنها را از راه نظام پویای رقابت سیاسی در این کشور پیگیری کنند. الگوبرداری مناسب از لابی کوبا که هم از لحاظ جمعیتی، هم از لحاظ تحصیلات و ثروت و هم از لحاظ جایگاه اجتماعی در رتبه پایین‌تری نسبت به ایرانیان ساکن آمریکا قرار دارند، این امکان را به جمهوری اسلامی می‌دهد که منافع ملی خود را به صورت نظام‌مند از داخل نظام سیاسی آمریکا پیگیری کند.

منابع و مأخذ

1. Croucher, S. (1997), *Imagining Miami: Ethnic Politics in a Postmodern World*. Charlottesville: University Press of Virginia.
2. Didion, J. (1987), *Miami*. New York: Simon & Schuster.
3. Fernandez, D.J. (2009), *From Little Havana to Washington D.C: Cuban American and US Foreign Policy*. in Mohammed E. Ahrari, ed, *Ethnic Groups and U.S. Foreign Policy*. Westport CT: Greenwood Press.
4. Forment, C. (1989), "Political Practice and the Rise of an Ethnic Enclave". *Theory and Society*. No. 18.
5. Garcia, M.C. (1996), *Havana USA: Cuban Exiles and Cuban Americans in South Florida 1959-1994*. Berkeley: University of California Press.
6. Gonzalez Pando, M. (2008), *The Cuban American*. Westport CT: Greenwood Press.
7. Hill, K.A. and Dario, M. (1996), "Second Generation Cubans". *Hispanic Journal Of Behavioral Sciences*. Vol. 18.
8. LeoGrande, W.M. (1998), "From Havana to Miami: U.S Cuba Policy as a Two Level Game". *Journal of InterAmerican Studies and World Affairs*. No. 40.
9. Listo, S.A. (2010), *Helms-Burton and the Point of Diminishing Returns*. International Affairs.
10. Perez, L.A. (2007), *Cuba and United States: Ties of singular Intimacy*. Athens: University of Georgia press.
11. Peterson, T.G. (1994), *Contesting Castro: The United States and the Triumph of Cuban Revolution*. New York: Oxford University Press.
12. Rieff, D. (1993), *The Exile: Cuba in the Heart of Miami*. New York: Simon and Schuster.
13. Sleek, S. (1996), "Mr. Mas Goes to Washington". *Common Cause Magazine*. Vol. 17.
14. Stone, P.H. (1993), "Cuban Clout". *National Journal*. No. 25.
15. Taber, R. (1961), *M-26: Biography of a Revolution*. New York: Lyle Stewart.
16. http://havanajournal.com/cuban_americans/entry/two_cuban_american_exile_groups_diff er_on_cuba_policy/ (Jan, 25, 2011).
17. <http://thecaucus.blogs.nytimes.com/2008/05/23/obama-discusses-cuba-policy/?scp=2&sq=obama%20speech%20in%20may%202008%20cuba&st=cse> (May, 11, 2011).
18. <http://thecaucus.blogs.nytimes.com/2008/05/23/obama-discusses-cuba-policy/?scp=2&sq=obama%20speech%20in%20may%202008%20cuba&st=cse> (May, 11, 2011).
19. <http://worldfocus.org/blog/2010/02/15/us-policy-toward-cuba-remains-largely-unmodified/9685> (May, 11, 2011).
20. <http://www.centerforinternationalpolicy.org/ht/display/ContentDetails/i/653> (May, 08, 2011).
21. <http://www.cubafoundation.org/policy-2.html> (October, 21, 2010).
22. <http://www.reuters.com/article/2010/10/26/us-cuba-embargo-un-idUSTRE69P3TK20101026> (March, 12, 2011).
23. <http://www.uscg.mil/history/uscgist/camarioca1965.asp> (April, 8, 2011).